

دروغ آشکار:

# موبدان زرتشتی و به کارگیری نام جعلی برای خلیج فارس

نویسنده‌ها:

مجید خالقیان

میثم صائبی

# دروغ آشکار: موبدان زرتشتی و به کارگیری نام

## جعلی برای خلیج فارس

مجید خالقیان<sup>۱</sup> (نویسنده سرپرست)

میثم صائبی<sup>۲</sup>

مطابق با به روزرسانی ۱۲ خرداد ۱۳۹۶<sup>۳</sup>

ایرانستیزان در ادامه تحریف‌ها و دروغ‌های خود این بار ادعا کرده‌اند که موبدان زرتشتی از واژه‌های جعلی برای شاخاب همیشگی پارس استفاده کرده‌اند! آنها به بند ۵۲ متن پهلوی شهرستان‌های ایرانشهر اشاره می‌کنند و می‌گویند چون اصطلاح «دریای تازیان» آمده است، موبدان زرتشتی نامی جعلی را برای خلیج پارس به کار می‌بردند!!!

اما نکته مهم آنجاست که اصلاً در بند ۵۲ متن پهلوی شهرستان‌های ایرانشهر سخنی از دریا و دریای تازیان نیست. بلکه با توجه به ترجمه‌های معتبر اصطلاح «دژ تازیان» به کار رفته است. این موضوع را به صورت آشکار هم در گردآوری «جاماست جی دستو منوچهر جی جاماسب - آسانا»، گزارش «سعید عریان» مشاهده می‌کنیم و هم در کتاب شهرستان‌های ایرانشهر دکتر تورج دریایی، اصطلاح «حصار تازیان» را مشاهده می‌کنیم.

بنابراین اصلاً اشاره به خلیج فارس و نام جعلی برای خلیج همیشگی فارس نیست بلکه اشاره به «دژ تازیان» است.

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه تهران

۲- دانشجوی باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

۳- با سپاس از کوروش شهرکی

بیاید عینا بند ۵۲ از متن شهرستان‌های ایران‌شهر را بخوانیم:


۵۲) شهرستان آسور و شهرستان به-اردشیر پسر اسفندیار ساخت و آشک‌هگر را به عنوان مرزبان (بر سپاه) دو سر و بورگل بر حصار تازیان بگمارد (دریایی، ۱۳۸۸: ص ۴۱).

۵۲- شهرستان آسور و شهرستان به اردشیر را اردشیر اسفندیار ساخت، و او شک‌هگر را (به عنوان) مرزبان، گندگر، و بورگ‌گر، به دژ تازیان به گمارد (جاماسپ، ۱۳۹۱: ص ۵۲).

با آنکه چندان موافق گرفتن تصویر از کتاب‌ها نبودیم اما با توجه به جوسازی‌های ایران‌ستیزان که می‌خواهند با عکس گرفتن از صفحات کتاب‌ها حرف‌های تحریفی خود را القا کنند، تصاویر منابع هم قرار می‌دهیم:

ترجمه فارسی متن شهرستان‌های ایران‌شهر □ ۴۱

- ۴۵) شهرستان توج را همای چهارآزاد ساخت.
- ۴۶) شهرستان هرمزد-اردشیر و شهرستان رام - هرمز را هرمز دلیر پسر شاپور ساخت.
- ۴۷) شهرستان شوش و شوشتر را شیشین دخت زن یزدگرد پسر شاپور ساخت که دختر راس الحالوت شاه جهودان و مادر بهرام گور بود.
- ۴۸) شهرستان چندیشاپور و شهرستان ایران - کرد- شاپور را شاپور پسر اردشیر ساخت و آترا بیل آباد نام نهاد.
- ۴۹) شهرستان نهر تیره را ضحاک در دوران فرمانروایی (خویش) آنجا را شیشتان خود کرد، و زندان ایران‌شهر بود و زندان اشکان نام نهاد.
- ۵۰) شهرستان هماوران را فریدون پسر آبتین ساخت، و مسروق شاه هماوران را کشت، و زمین هماوران را باز به تصرف ایران‌شهر در آورد، و او دشت تازیان را به ملکیت به بخت - خسرو شاه تازی داد بخاطر پیوندی که با او داشت.
- ۵۱) شهرستان آرهست را شاپور پسر اردشیر ساخت.
- ۵۲) شهرستان آسور و شهرستان به-اردشیر را اردشیر پسر اسفندیار ساخت و آشک‌هگر را به عنوان مرزبان (بر سپاه) دوسر و بورگل بر حصار تازیان بگمارد.
- ۵۳) شهرستان جی را اسکندر ملعون پسر فلیوس ساخت، اماشگاه جهودان آنجا بود. در دوران فرمانروایی یزدگرد پسر شاپور به خواهش زن خویش شیشین دخت (جهودان را) به آنجا آورد.
- ۵۴) شهرستان ایران - آسان - کرد - قباد را قباد پسر پیروز ساخت.
- ۵۵) شهرستان اشگر را بهرام پسر یزدگرد ساخت.
- ۵۶) شهرستان آذربایجان را ایران - گشسب که سپاهب آذربایجان بود (ساخت).
- ۵۷) شهرستان ون را ون دختر گلکشان ساخت که به زنی کبیاد درآمد، و تور برادریش کرب یا جادوگری آنجا را به صورت دژ اوردندسب درآورد، برای حفظ جان خویش.



خردگان  
WWW.KHERADGAN.IR

سرشناسه: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۵-۷۰۱-۲  
عنوان: تهران: تورج دریایی، ۱۳۸۸.  
شهرستان‌های ایران‌شهر، نوشته‌ای به زبان فارسی سبک درباری تاریخ، حماسه و جغرافیای باستانی ایران / با آوانویس، ترجمه فارسی و یادداشت‌ها تورج دریایی، مترجم شهرام جلیلیان.  
مشخصات نشر: تهران: توس، ۱۳۸۸.  
مشخصات ظاهری: ۱۳۰ ص. مصور.  
فروست: انتشارات توس، ۷۰۱.  
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۵-۷۰۱-۲  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.  
یادداشت: واژنامه.  
یادداشت: کتابخانه.  
موضوع: زبان پهلوی - من‌ها.  
موضوع: ادبیات پهلوی.  
موضوع: شهرها و شهرستان‌ها - ایران - متون قدیمی تا قرن ۱۲.  
موضوع: نام‌های جغرافیایی - ایران - متون قدیمی تا قرن ۱۲.  
شناسه فزوده: ۱۳۸۸، شهرام، ۱۳۵۷، مترجم.  
رده‌بندی کنگره: ۹۱۷.۰۷/۲ PIR  
رده‌بندی دیویی: ۹۱۰-۰۶  
شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۳۰۲۲۸

شهرستان‌های ایران‌شهر  
تورج دریایی

ترجمه شهرام جلیلیان  
چاپ اول: ۱۳۸۸  
شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه  
لیتوگرافی: پیچاز  
چاپخانه: حیدری

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۵-۷۰۱-۲  
کلیه حقوق چاپ و انتشار این اثر - به هر صورت - محفوظ و مخصوص انتشارات توس است.  
فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، اول خیابان دانشگاه، پلاک ۱ - تلفن: ۶۶۴۶۱۰۰۷، فکس: ۶۶۹۷۰۶۷۷  
دفتر مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، خ دانشگاه بن بست پورجواد شماره ۵ - تلفن: ۶۶۴۹۱۳۲۵-۷  
نشانی اینترنت: www.ToonPub.com پست الکترونیک: E-mail: info@toonpub.com

تصویر کامل صفحه ۴۱ از شهرستان‌های ایران‌شهر، دکتر تورج دریایی (دریایی، ۱۳۸۸: ص ۴۱)

۵۲ ■ متن‌های پهلوی

۴۸. الجالوت شاه یهودان (و) نیز مادر بهرام گور بود. شهرستان گندی شاپور و شهرستان ایران کرد شاپور و شاپور اردشیران ساخت و او آن‌جا را پل‌باد نام نهاد.
۴۹. شهرستان نهر تیره به دشمنی ضحاک برای شهبان ساخته شد و زندان ایرانشهر بود، نام (آن) زندان اشکان بود.
۵۰. شهرستان سمران را فریدون آبتینان ساخت و مسور، شاه سمران، را کشت (و سر) زمین سمران را باز به مالکیت ایرانشهر آورد، و دشت تازی را به مالکیت و آبادی برای پیوند خویش به بخت خسرو، شاه تازیان، داد.
۵۱. شهرستان آرتست را شاپور اردشیران ساخت.
۵۲. شهرستان آسور و شهرستان به اردشیر را اردشیر اسفندیاران ساخت، و او شک‌هگر را (به عنوان) مرزبان، گنگدر، و بورگ‌گر، به دژ تازیان به گمارد.
۵۳. شهرستان جی را گجسته اسکندر قلیهان ساخت، مانش یهودان آنجا بود که به شاهی یزدگرد شاپوران از خواهش شیبندخت که زن او بود به آن‌جا برده شدند.
۵۴. شهرستان ایران آسان کرد قباد را قباد پیروزان ساخت.
۵۵. شهرستان لشگر را بهرام یزدگردان ساخت.
۵۶. شهر آذربایجان را ایران گشنسب، سپهبد آذربایجان، ساخت.
۵۷. شهر ون را ون بلاشان برای حفظ جان خویش ساخت (در برابر) باروی اروند اسپ تور برادرش کرب (که) به جادویی ساخته شد و به زنی به کیقباد آمد.
۵۸. به ناحیه آذربایجان شهرستان گنجه را افراسیاب تور ساخت.
۵۹. شهرستان آموی را زندیق پر مرگ ساخت، زردشت سپهتمان از آن شهر بود.
۶۰. شهرستان بنفاد را ابو جعفر که (او را) ابودونق می خواندند، ساخت. به پیروزی مهر شد.
- فرجام یاقت به درود، شادی، رامش

**سروش گنج**  
 سروش گنج، گردآورنده  
 مای پهلوی / گردآورنده جاماسب جی منوچهر جی جاماسب  
 آسانا، پژوهش سعید عریان.  
 تهران: نشر علمی ۱۳۹۱.  
 ۵۲۲ ص.  
 ۷-۲۰۲-۲۰۴-۹۶۲-۹۷۸ شابک

WWW.KHERADGAN.IR

مشخصات ظاهری  
 وضعیت فهرست‌نویسی  
 یادداشت

موضوع  
 موضوع  
 شناسه افزوده  
 رده‌بندی کنگره  
 رده‌بندی دیویی  
 شماره کتابشناسی ملی

زبان پهلوی - متن‌ها  
 زبان پهلوی - متن‌ها - ترجمه شده به فارسی  
 عریان، سعید / ۱۳۹۱ - مترجم  
 ۲۰۵۱ / آج / FIR ۲۰۵۱  
 ۲۸۱۹۵۲۰

غیاثان انقلاب - مقابل دانشگاه تهران شماره ۱۲۲۴  
 تلفن: ۶۶۲۶۰۶۶۷ فکس: ۶۶۲۹۶۶۱۱

متن‌های پهلوی (ترجمه، آوانویشت)  
 گردآورنده جاماسب جی منوچهر جی جاماسب آسانا  
 پژوهش سعید عریان

پاپ، ایراد ۱۳۹۱  
 ایراد: ۸۵۰ نسخه  
 لایزرگراف: کرور  
 چاپ: مهرت

شابک ۷-۲۰۲-۲۰۴-۹۶۲-۹۷۸  
 مرکز بخش: انتشارات علمی - غیاثان انقلاب - مقابل دانشگاه تهران  
 شماره ۱۲۲۴ تلفن: ۶۶۲۶۰۶۶۷-۶۶۲۶۵۷۷۰

تصویر کامل صفحه ۵۲ از متن‌های پهلوی، جاماست جی دستو منوچهر جی جاماسب - آسانا. گزارش سعید عریان (جاماسب، ۱۳۹۱: ص ۵۲)

می بینیم که اصلا خبری از دریای تازیان نیست و حصار یا دژ تازیان آمده است. اما لازم به ذکر است که در چاپ‌های قدیمی کتاب متون پهلوی گردآوری جاماست جی دستو منوچهر جی جاماسب - آسانا، گزارش سعید عریان، به نادرست از اصطلاح دریای تازیان استفاده شده بود که در چاپ‌های جدید تر که طبیعتا نگارندگان با دقت بیشتری تنظیم کرده‌اند، اصطلاح درست «دژ تازیان» جایگزین شده است.

واژه پهلوی مورد بحث، *war* می‌باشد و این واژه دارای چند معنا است که اکثر آنها درباره محصور بودن می‌باشند؛ از جمله دژ، قلعه، حصار و ... حتی در آزمایش ور گذر از آتش و سوگند و... (ور سیوش) دیده شده است. با آنکه این واژه معنای دریاچه، حوض و استخر هم دارد (ور چیچست)، اما بدون تردید برای اشاره به دریای آزاد نبوده است، چراکه برای دریاهاى آزاد از واژه‌هایی مانند *drayā/drāyāsp/zrēh/zrāh* استفاده می‌شده است. پس آشکار است که ترجمه «دریا» نادرست بوده و بنابراین در چاپ‌های جدید تر اصلاح شده است.

نکته دیگر اینکه با توجه به بندهای ۲۷ و ۵۲ که مرتبط با منطقه حیره در میان‌رودان، شهر باستانی آشور در صلاح‌الدین و به اردشیر مدائن در نزدیکی بغداد است، متوجه می‌شویم، هیچ ربطی به دریا و خلیج فارس ندارد.

عجیب آنکه ایرانستیزان ادعا می کنند دکتر تورج دریایی هم تأیید کرده است که دریای تازیان آمده است!!! اما خود ایشان در کتاب شهرستان‌های ایران‌شهر به نظریه‌های نادرست پیرامون عبارت «وَر تازیگان» پرداخته و اشاره دارد که در ابتدا این عبارت اشتباه ترجمه شده بود، دریایی به پژوهش‌های نوبرگ اشاره می کند و معتقد است این پژوهش‌ها به درستی نشان داد که معنای این عبارت پهلوی چیزی جز «دژ تازیان» نمی تواند باشد. بیایید عیناً نوشته دکتر دریایی را بخوانیم:

نوبرگ این ناهمخوانی را دریافته و بیان داشته که «وَر» (*war*) برای «دیوار»، «برج و بارو» و یا «حصار» به کار رفته است. می توان پنداشت که «وَر» بخشی از شبکه پدافندی دیواری در دوره ساسانی بوده و در اینجا به (خندق شاپور) اشاره دارد، این معنی برای «وَر» را می توان در *vala* ودائی، *var-* اوستایی، و در *vara-* و در *Waxi wirg* ختنی هم یافت. در دوره ساسانی *Puitika* اوستایی، *Pudig* فارسی میانه که در وندیداد نام برده شده، با خلیج فارس برابر دانسته شده بود (دریایی، ۱۳۸۸: صص ۷۰-۷۱).

دکتر دریایی صراحتاً اشاره می کند که نام شاخاب پارس در متون عربی هم به صورت بحرالفارس یا خلیج فارس آمده است:

... از آغاز دوره اسلامی نام این خلیج در زبان عربی به عنوان (بحر الفارس) یا (خلیج فارس) شناخته شده بود و اروپاییان در سده شانزدهم آن را *Sino Persico* یا *Sinus Persicus* خوانده اند (همان).

ایرانستیزان بیشتر بر روی چاپ قدیم جاماست جی دستو منوچهر جی جاماسب - آسانا، گزارش سعید عریان، تأکید می کنند، و البته استدلال‌های بسیار سستی را مطرح می کنند! اگر به همان چاپ قدیم این کتاب هم مراجعه کنیم اشاره‌ای به منطقه خلیج فارس نشده است. اما ایرانستیزان آن بخش را تحریف کرده‌اند به طوری که از نام یک شخص، القا می کنند که منظور منطقه خلیج فارس است! همانطور که در متون بالا هم مشاهده کردید از شخصی به نام «أشک‌هگر» یا «اوشک‌هگر» یاد شده است. این نام یک شخص است و نه نام یک منطقه جغرافیایی! ایرانستیزان به نادرست می گویند اشاره به مناطق جغرافیایی دارد و می گویند از آنجایی که هگر نام قدیم بحرین است پس اشاره به خلیج فارس شده است!! همانطور که اشاره شد ترجمه درست، «دژ تازیان» است اما بر فرض در نام یک شخص، واژه‌ای آمده باشد که معنای بحرین می دهد!! چطور می توان برداشت کرد که منظور منطقه خلیج فارس است؟! مثلاً اگر امروز شخصی با نام خانوادگی «اصفهان‌ی» شهردار «تهران» شود و در خبرگزاری‌های بین المللی این خبر درج شود، لابد آقایان می آیند و می گویند

کشیش‌های مسیحی برای تهران از واژه اصفهان استفاده کرده‌اند!!! این استدلال آنقدر سست و سطح پایین است که فقط از طرف اشخاصی که مغرضانه به تاریخ پژوهی می‌پردازند گفته می‌شود.

نکته دیگر اینکه متن شهرستان‌های ایرانشهر را لزوماً موبدان ننوشته‌اند. اساساً این متن یک متن دینی نیست بلکه درباره جغرافیای تاریخی و تقسیمات کشوری می‌باشد. بنابراین اگر گفته شود بر اساس شهرستان‌های ایرانشهر، موبدان زرتشتی چیزی را گفته‌اند نادرست است.

از سوی دیگر نامی که در بند ۵۲ به آن اشاره شده نام شخصی است که مربوط به مدت‌ها پیش از دوره ساسانی است. اردشیر پسر اسفندیار پسر گشتاسب شاه کیانی است، در عصر رستم و زرتشت که در شاهنامه نیز از او یاد شده است:

سیه گشته رخسار و تن چون زریز	پس افکنده بیند بزرگ اردشیر
برانگیزد اسفندیاری سـمـند	بگرید برو زار و گردد نژند

بدیهی است نمی‌توانستند ساخت شهر باستانی آشور را با آن قدمت و تاریخ باستانی چند هزارساله‌اش به دوره ساسانی نسبت دهند و باید به زمان‌های دور و بسیار کهن‌تر برگردانند. مسئله‌ای که نیاز به کار و پژوهش بیشتر دارد این است که اوشگ هگر، نام کسی است که اردشیر اسفندیاران بر دوسر و بورگل بر حصار تازیان گمارده و قاعدتاً باید هم دوره او باشد.

در طول تاریخ همواره شاخاب پارس در نزد ایرانیان و غیر ایرانیان با نام پارس شناخته می‌شده است. از کهن‌ترین اسنادی که این موضوع را اثبات می‌کند می‌توان به کتیبه داریوش بزرگ اشاره کرد (کتیبه DZC، بند ۳). حتی در احادیث پیامبر اسلام (ص) بحر فارس به صورت آشکار دیده می‌شود. به کار بردن نام‌های جعلی برای شاخاب همیشگی پارس، پیشینه بسیار کمی دارد و این روزها برای مقابله با هویت ایرانی به کار می‌رود.

با بررسی متن اصلی شهرستان‌های ایرانشهر در می‌یابیم که در بند ۵۲ این متن، حرفی از خلیج فارس و دریا نیست بلکه سخن از دژ یا حصار تازیان است. ایران‌ستیزان با رواج متن‌های نادرست به دنبال رواج مطالب تحریفی خود هستند.

### شناسنامه نوشتار:

خالقیان، مجید؛ صائبی، میثم ( ۱۲ خرداد ۱۳۹۶). «دروغ آشکار: موبدان زرتشتی و به کارگیری نام جعلی برای خلیج فارس».

پایگاه خردگان.نشانی رایاتاری: <http://kheradgan.ir/?p=16103>

## بن مایه‌ها و یاری‌نامه‌ها:

دریایی، تورج (۱۳۸۸). *شهرستان‌های ایرانشهر*. ترجمه شهرام جلیلیان. تهران: انتشارات توس.  
جاماسپ، جی دستو منوچهر جی جاماسپ (۱۳۹۱). *متن‌های پهلوی*. گزارش و ترجمه سعید عریان. تهران: انتشارات علمی.



**پایگاه خردگان**

**تاریخ و فرهنگ ایران زمین**

**KHERADGAN.IR**